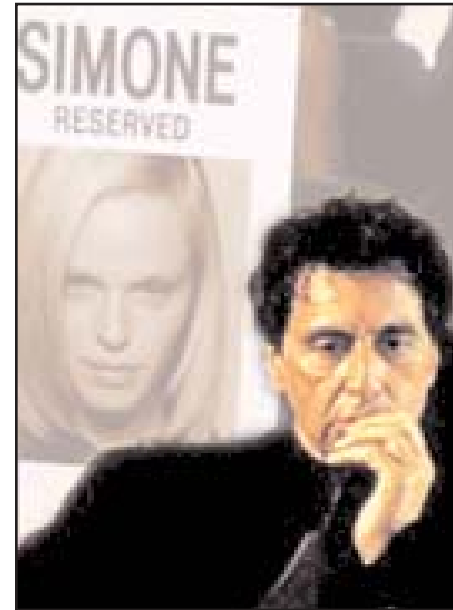


سیمونه (Simone)

کارگردان : اندرو نیکول
پخش : نیولاین سینما
بازیگران : آل پاچینو ،
کاترین کینر ، پرویت تیلو وینس ، جیسون
شوارتزمن، جی مور .

خلاصه داستان :

دوره زندگی یک تهیه کننده سینما که بر اثر یک اتفاق ناامیدی بر او غلبه می کند. وقتی ستاره فیلمش از مجموعه فیلم کناره گیری می کند، تهیه کننده تصمیم می گیرد تا بصورت دیجیتال هنرپیشه ای به نام سیمونه را خلق کند تا جای ستاره فیلمش خالی نباشد ، این هنرپیشه یک شبه به شهرت زیادی می رسد و همگان فکر می کنند او یک فرد واقعی است .



اگر چه هر چقدر که شهرت سیمونه به سرعت زیاد می شود تهیه کننده نمی تواند تحمل پذیرفتن حقه ای را که به خودش یا به جهان زده را داشته باشد .

دره چه گناهی کرده بود !



دره گرچی موسار
سرسبز و زیبا ، سالیان سال
بر فراز شهر تهران و در دامان
مادرش البرز زندگی می کرد
و هر آنچه از پاکی و
زیبایی داشت در اختیار همه
می گذاشت . دره پر از
درخت بود . پر از گل و سبزه
و پرنده بود . دره چشمه
داشت ، قنات داشت یک
قنات ۲۰۰ ساله با چند حلقه
چاه و یک جوی آب روان و

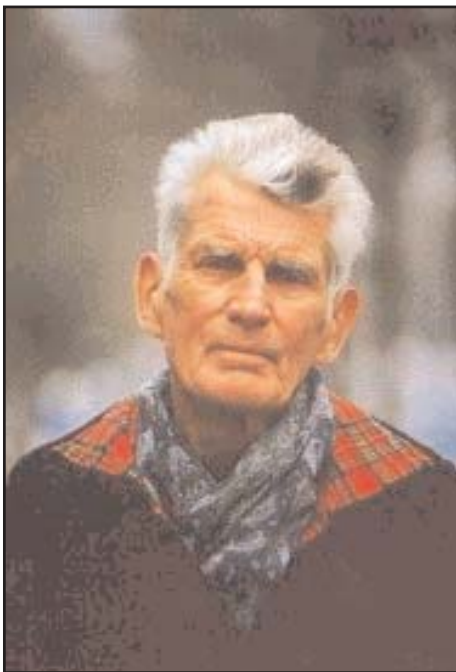
بوته های تمشک پیرامون آن دره زنده بود ،
نفس می کشید و با هر نفسش نسیم را از خود
عبور می داد .

دره بیچاره آرام بود و بی صدا و آزارش به
کسی نمی رسید ، اما نمی دانم چه شد که ناگاه
بر سر او تاختند و با خروارها زباله و نخاله پرش
کردند. نفسش را بریدند و درختها و قناتش را
زنده به گور کردند و این همه نه به دست افراد
بی فرهنگ و ناآگاه بلکه به دست وزارت
آموزش و پرورش و مسئولان اردگاه شهید
باهنر (منظریه) انجام شد .

درختها را می برند و می سوزانند، آبها را
می آلاینند ، زباله هایشان را روی زمین
می پراکنند و اینک دره ای را که روی نظمی
خدایی به وجود آمده است ، بی حساب و کتاب
و غیر کارشناسانه از بین می برند تا مرز طبیعی و
چند ساله را مخدوش کنند و مالکیت خود را بر

همشهری از تهران

مکثی بر آثار و آراء ساموئل بکت : آواز انتظار



■ در واپسین روزهای سال ۱۹۸۹ و در
لحظاتی که بکت با مرگ فاصله ای نداشت
در یادداشت های خود نوشت : از نظر من هر
کلمه ای لکه ای بی فایده بر سکوت است .
واقعیت این است که بکت تمام سالهای
زندگی خود و حتی دوران نویسندگی اش
را نه تنها در سکوت گذراند بلکه نوع نوشته
هایش موید آن است که وی به سکوت
اعتقادی منحصر به فرد داشت .

او که بسان سالینجر نویسنده برجسته
آمریکایی، از همان ابتدا به سلک انزوای کامل
در آمده بود، از هرگونه حضور اجتماعی پرهیز
می کرد و محافل روشنفکری را بی اهمیت
می انگاشت . بکت گزیده و کوتاه می نوشت و
اهل توضیح و تحشیه نبود. نه تنها آثار تالیفی
خود را به این نحو می نگاشت، بلکه به همان
شیوه نیز صحبت می کرد به فرض ، بکت در
مصاحبه ای گفت: من در دوران کودکی،
استعداد کمی برای شادابی داشتم و یا در یکی
از چکامه های منظوم خود می نویسد: سپس
دنبالم می آید لحظه ای رعشه به پشتم می افتد .
این من است که به من باز می پیوندد . با توجه به
سخن آمده ، می توان به سهولت عصاره دیدگاه
و نگاه بکت به عرصه هستی را باز یافت .

او که در ابتدای سده گذشته (۱۳ آوریل
۱۹۰۶) در حومه دوبلین ایرلند به دنیا آمده بود ،
پس از طی دوران تحصیل ، در رشته ادبیات
فرانسه فارغ التحصیل شد. بکت که از سال
۱۹۱۹ به این سو به ادبیات فرانسه گرایش پیدا
کرده بود ، هرگز الگویی در سطح نویسندگان
فرانسوی نیافت و پیوسته در پی دستیابی به
سنت نثر ایرلندی بود .

از این رو ، هنگامی که پیش از ۲۳
سالگی به پاریس رفت و با جیمز جویس دیدار
کرد ، فریفته وی شد و ۱۳ سال در مصاحبت او
بود . کارنامه هنری بکت که از حیث کمیت
اندک می نماید ، شامل انواع حیطه های نظم و
نثر است . نقد نویسی (او نویسندگی را از ۲۳
سالگی شروع کرد) درباره آثار جویس و
پروست . داستان نویسی مشتمل بر تعدادی
قصه کوتاه است که بعدها به صورت دو کتاب
در آمد .

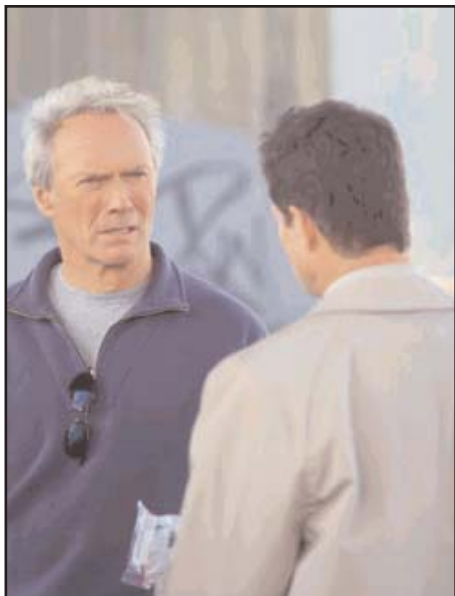
نمایشنامه نویسی با اثری بزرگ (در
انتظار گودو ۱۹۲۵) آغاز شد و با نمایشنامه
پایان بازی که در ۵۱ سالگی بکت به صحنه آمد
، ادامه یافت . وی که از ۳۱ سالگی در پاریس
سکونت داشت ، همسری فرانسوی گزید و آثار
خود را به فرانسه می نگاشت و او نه فرضیه ای
جدید به وجود آورد و نه ابداعاتی غریب در
واقع آنچه مد نظر داشت ، یعنی همان
موضوعی که باعث شد وی نخبه دوران خود
شد ، کشف جزئیات زندگی و تاویل تئاتر
معاصر بود حتی مبحث تئاتر افسورد به مثابه

پیشروترین شیوه نمایشی که با اسم بکت گره
خورده است سالها پیش از او (توسط ژان رنه)
شروع شده بود و سالها پس از بکت (توسط
اوژن یونسکو) ادامه یافت .

نگاه منحصر به فرد بکت به هستی و
نحوه ارائه آن از یک سو باعث ماندگاری آثار
او شد و از دیگر سو ، زمینه پیدایی مباحث
متفاوت را در خصوص بکت فراهم آورد و
اهمیت و اعتبار وی در این نکته مستتر است .
شالوده دیدگاه بکت و تئاتر او مبتنی بر وانمایی
انسان معاصر غربی است . این مولف برجسته
ایرلندی در پی آن است تا واماندگی ، حرمان ،
تنهایی و احساس بی اهمیت انگاری انسان فرد
را روایت کند او که در یکی از آثار منظومش
گفته است : اکنون با چشمانی دیگر نگاه می کنم
، سنگریزه ها را و آبگیرها را زیر بارش تند
باران !

با نمایشنامه در انتظار گودو که اجرای
نخست آن در ژانویه ۱۹۵۳ (تئاتر بایبلون) بوده
است، فردیت های نمایشی اثر خود را
(ولادیمیر استراگون) به انتظاری وامی دارد که
انتهای آن از پیش مشخص است . نه
موعودی وجود دارد و نه حرکتی. حتی در
نمایشنامه بازی و یا در مالون می میرد، مولفه
انتظار بسان عنصری تداومی نمایانده می شود
و مشغله ثابت انسان از نگاه بکت ، موضوعی با
عنوان انتظار ۰ مایه محوری آثار بکت (دلالیت
وجودی انسان و مبدا حیات اوست برای
رسیدن به همه خواستها. ادراک هستی، آرزوها
، مفهوم سازی زندگی اجتماعی و امید .

بکت آگاهانه یا ناآگاهانه هرگز در پی آن
نبوده است تا پاسخی صریح به موضوعات
بدهد در واقع او به سبب تاسی از سنت نخبگان
(تلویح گویی و ایمانویسی) نه فقط پاسخی به
پرسشها نداد، بلکه پرسشهای جدیدی را مطرح
کرد تا به این ترتیب ، معضل انسان روشنفکر
معاصر لاینحل بماند.



کار خون آلود (Blood Work)

کارگردان: کلینت ایستوود
پخش: برادران وارنر
فیلمنامه: برایان هلگلد
(براساس رمانی نوشته مایکل کانلی)
بازیگران: کلینت ایستوود،
وندا دی خسوس، جف دانیلز، آنجلیکا
هیوستون، تینا لیفورد.

خلاصه داستان:

یک مامور بازنشسته FBI تحت شرایط غیر معمولی شامل آنالیز و تجزیه خون خودش برای پیگیری یک قاتل زنجیره ای بی باک، دوباره به کار فراخوانده می شود.



از اینجا ... از آنجا

صفحات جدیدی در تهران گشوده شده بعبارت دیگر مجله ای تازه در دل مجله ی تهران . این مجله جنگی از همه ی مسائل است . کوتاه، خواندنی و گاه بیاد ماندنی . شما نیز می توانید همکار این صفحات باشید . ما را یاری دهید خبر، عکس، برای ما ارسال کنید . با تشکر از شما برای همکاریهای آینده .
سر دبیر

آستین باورز در گلدممبر (Austin Powers in Goldmember)

کارگردان: جای راج
پخش: نیو لاین سینما
فیلمنامه: مایک مک کارلز، رابرت واگنر، مایکل مک کارلز، مایک مه یرز .
بازیگران: مایک مه یرز ،
مایک کین ، مایکل یورک ، ست گرین ، رابرت
واگنر، ورنی ترویر .

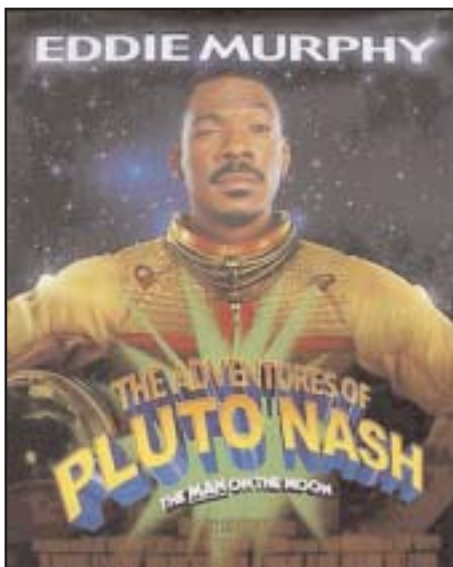


خلاصه داستان:

در این سومین دنباله ، پاورز همانطور که با دشمنان قدیمی- دکتر اوایل ، مینی می، فت باستارد- و یک دشمن جدید - یک گرداننده فنلندی دیسکو تک به نام گلدممبر (مایک مه یرز)- دست و پنجه نرم می کند ، بین زمان حاضر و سالهای ۱۹۷۰ در رفت و آمد است .

ماجراهای پلوتونش

(The Adventures of Pluto Nash)



کارگردان: ران آندروود
پخش: برادران وارنر
بازیگران: ادی مورفی،
روزاریو داوسون ، جی مور، رندی کواید، پی
گری، جو پاتولیانو

خلاصه داستان:

روی ماه در سال ۲۰۸۷ ، پلوتونش (ادی مورفی) که فردی گستاخ و جسور صاحب یک کلوپ شبانه است که وقتی از فروش کلوپش به محلی ها امتناع می کند خود را دچار مشکل می بیند، گانگسترهای اهل ماه به رگس کارتر مرموز برای مسلط شدن بر ماه کمک می کنند .

استاد تغییر چهره (The Master of Disguise)



کارگردان: پری آندلین بلیک
پخش: کلمبیا پیکچرز
فیلمنامه: دانا کاروی، هریس
گلدبرگ
بازیگران: دانا کاروی، جنیفر
اسپوسیتو، هارولد گولد، جیمز برولین ، برنت اسپاینر .

خلاصه داستان:

پیستاچینو (دانا کاروی) پیشخدمت زیباروی ایتالیایی در رستوران پدری اش فابریتیو (جیمز برولین) است و نمی تواند درک کند که چرا او باید اجباراً تقلید مشتریانش را انجام دهد و دوست دارد که ظاهرش را تغییر دهد .

چیزی که او نمی داند این است که این صفات ویژه، قسمتی از میراث مخفی خانواده دیسگایزی است . فابریتیو هرگز به پسرش نگفته که او جزو خانواده بزرگی از استادان تغییر شکل است که قادرند خودشان را تقریباً به شکل هر کس و هر چیزی در آورند .

با استفاده از قدرت زیاد انرژی، چنین استعدادی فابریتیو را هدف آدم ربایی دشمن بزرگ سابقش دالین بومن (برنت اسپاینر) قرار می دهد . او جنایتکاری باهوش با نقشه و توطئه ای برای دزدیدن گنجهای قدیمی دنیا است . در ابتدا پیستاچینو چندان در بکار بردن و کنترل قدرت جدایی اش موفق نیست اما به زودی با کمک دستیار زیبا به نام جنیفر (جنیفر اسپوسیتو) تلاش می کند تاردی از دالین پیدا کند و والدینش را نجات دهد . اما آیا این استاد تغییر چهره دیر نخواهد کرد ؟

عکس یک ساعته Hour Photo (One)

کارگردان: مارک رومانک
پخش: فاکس سرج لایت
بازیگران: رایین ویلیامز ،
کانی نیلسن ، میشل وارنان ، گری کول ،
اریک لاسال



خلاصه داستان:

یک کارمند عکاسی به یک خانواده از طریق عکسهایشان علاقمند میشود و تصمیم به صاحب شدن آن خانواده میگیرد .